

A Consideration of Multiplicity and Inclusion of Atonement from Juridical and Law Viewpoint (According to Islamic Criminal Law 1392)

Abedin Momeni *

Mohsen Nourpour **

Ali Zahed ***

Ehsan Ahangari ****

Date of Received: 2016/07/18

Date of Accepted: 2017/08/13

The issue regarding the multiplicity and inclusion of the atonement is to be considered among those topics which have deserved less attention in Islamic criminal law. In Islamic criminal law in 1370, the spirit of some law articles says that some atonement were in exceptional cases included. Due to this fact, the knowledge of these exceptional articles was quite hard. Hence, the legislator, knowing this fact, in developing the Islamic criminal law of 1392, tried to extract the rules governing the multiplicity and unity of the atonements from juridical texts and make it law-like.

The chapter concerning the inclusion of or exclusion which has been discussed in part nemesis and atonement of Islamic criminal law of 1392 is rooted in the rule of "inclusion of exclusion of atonements" which has been discussed in detail in principal and juridical textbooks. This research embarks on discussing the topic "inclusion and exclusion of atonements" from the abovementioned rule and then tries to find out about the multiplicity and unity of the atonements, mentioning criminal instances, at hand narrations, and when needed mentioning the technical viewpoint of judiciary.

Keywords: Exclusion of tools and causes, multiplicity of atonements, inclusion of atonements, the narration of Abu Obaideh.

* Associated Professor of the Department of Fiqh and Islamic Law Foundations at Tehran University - abedinmomeni@ut.ac.ir

** PhD Student of Criminal Law at Ferdowsi University – (responsible author) - nourpour.mohsen@yahoo.com

** PhD Student of Fiqh and Islamic Law Foundations at Ferdowsi University - azahed68@gmail.com

**** PhD Student of Fiqh and Islamic Law Foundations at Tehran University - ehsanahangari@gmail.com

بررسی مبانی فقهی و حقوقی تعدد و تداخل دیات در حقوق ایران (با محوریت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۲۲

عابدین مؤمنی*

محسن نورپور**

علی زاهد***

احسان آهنگری****

چکیده

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این است که تلاش کرده مقررات راجع به تداخل قصاص و دیات را سامان‌دهی نماید. به همین خاطر فصل دوم بخش اول کتاب قصاص، با عنوان «تداخل جنایات» و فصل هفتم بخش اول کتاب دیات با عنوان «تداخل و تعدد دیات» را به این امر اختصاص داده است. مطابق ماده ۵۳۸ و ۵۴۳ این قانون، در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آن‌هاست مگر در صورت واحد بودن رفتار مرتکب، نوع آسیب، محل آسیب و عرفاً یک آسیب محسوب شدن که تداخل دیه صورت گرفته و یک دیه پرداخت می‌شود.

مبحث تداخل یا عدم تداخل، ریشه در قاعده «عدم تداخل اسباب و مسببات» دارد که در کتب فقهی و اصولی در ابواب مختلف بررسی شده است. رسالت این نوشتار، بررسی مبحث «تعدد و تداخل دیات» از منظر قاعده فوق و سپس روشن ساختن قواعد و معیارهای حاکم بر تعدد و تداخل دیات و ذکر مواد قانونی و روایات وارده و در صورت لزوم نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه است. مطابق مبانی فقهی و قواعد حقوقی حاکم بر قانون مجازات

abedinmomeni@ut.ac.ir

* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری حقوق جزا دانشگاه فردوسی مشهد - نویسنده مسئول

nourpour.mohsen@yahoo.com

azahed68@gmail.com

*** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

ehsanahangari@gmail.com

**** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

اسلامی موارد تعدد دیه عبارت‌اند از: تعدد جانی، تعدد مجنی‌علیه، رفتارهای جنایی متعدد، تعدد نتایج در اعضای مختلف، نوعاً غیرمستمری بودن جراحات، ملازم نبودن از بین رفتن عضو با منفعت همان عضو یا عضو دیگر و عرفاً چند جنایت محسوب شدن آسیب‌های وارده. موارد تداخل دیه نیز عبارت است: نوعاً مستمری بودن جراحات وارده، ملازم بودن از بین رفتن عضو با منفعت همان عضو یا عضو دیگر و عرفاً یک جنایت محسوب شدن آسیب‌های وارده.

واژگان کلیدی

عدم تداخل اسباب و مسببات، تعدد دیات، تداخل دیات، روایت ابی عبیده.



مقدمه

در حقوق کیفری ایران تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، «جرائم تعزیری»^۱ در قانون بحث تعدد جرم قرار گرفته و علیرغم اهمیت موضوع «تعدد و تداخل دیات»، متأسفانه قانون‌گذار مقررات آن را مشخص نساخته و به ترجمه ابواب دیات از متون فقهی در قوانین کیفری اکتفا نموده بود. در تبصره ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ آمده بود که: «حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است». با مراجعه به کتاب دیات این قانون متوجه می‌شویم علاوه بر اینکه هیچ قاعده خاصی همانند مواد ۴۶ و ۴۷ که حکم تعدد در جرائم تعزیری را بیان کرده باشد، وجود ندارد، قواعد یکسانی نیز برای دیه حواس و منافع مختلف پیش‌بینی نشده است. برای مثال در ماده ۴۵۲ این قانون آمده بود: «هرگاه با بریدن هر دو گوش، شنوایی از بین برود دو دیه کامل لازم است»، درحالی‌که طبق ماده ۴۵۸ همین قانون: «هرگاه با کندن حدقه چشم، بینایی از بین برود، دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود» (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۰۸). مقررات مواد فوق در قانون مجازات اسلامی ۹۲ با یک سری تغییراتی به ترتیب در مواد ۶۸۵ و ۶۹۲ منعکس شده است.

همان‌طور که معلوم است، مطابق ماده ۴۵۲، قاعده تعدد دیات حاکمیت دارد و بایستی دو دیه پرداخت شود ولی بر اساس ماده ۴۵۸، قاعده تداخل دیات حکم‌فرمایی دارد و باید یک دیه پرداخت شود. دلیل این تفاوت چیست که علی‌رغم اینکه شنوایی و بینایی هر دو منفعت محسوب می‌شوند، قواعد یکسانی وضع نشده است و قانون‌گذار در مورد حمایت از منافع مختلف اعضای بدن، سیاست کیفری حمایتی افتراقی اتخاذ نموده است؟

در قانون مجازات اسلامی سال ۷۰، فقط در ماده ۴۴۶، واژه «تداخل» به کار رفته بود. مطابق این ماده: «هرگاه در اثر جنایتی مانند ضربه‌مغزی و شکستن سر یا بریدن دست،

عقل زایل شود برای هرکدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمی‌شود». البته مفاد ماده ۲۱۸ در کتاب قصاص، حکایت از تداخل دیه عضو در دیه نفس و ماده ۳۷۴ نیز بیانگر تداخل دیه مو در عضو است که در جای خود بررسی خواهند شد.

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرراتی راجع به تداخل قصاص و تداخل دیات به تصویب رسانده است. در مورد قصاص، فصل دوم بخش اول کتاب قصاص با «تداخل جنایات» به این امر اختصاص یافته که مواد ۲۹۶ تا ۳۰۰ را در برمی‌گیرد. علاوه بر آن، مواد ۲۹۳، ۳۸۹، ۳۹۰ و ۵۴۰ نیز به این قاعده اشاراتی دارند. این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، فقط ماده ۲۱۸ به این قاعده اختصاص یافته بود که مطابق منطوق آن، تداخل قصاص در فرض ایراد یک ضربه و مطابق مفهوم آن، عدم تداخل قصاص در فرض ایراد چند ضربه پذیرفته شده بود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۶). همچنین قانون‌گذار در رابطه با شناخت قواعد حاکم بر کثرت یا وحدت دیه در موارد مختلف، فصل هفتم بخش اول کتاب دیات را با عنوان «تداخل و تعدد دیات»، به این امر اختصاص داده است. مطابق ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آن‌هاست مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است».

در این نوشتار، ابتدا مفاهیم تعدد و تداخل دیات توضیح داده شده و قاعده عدم تداخل اسباب و مسببات از منظر فقه و اصول بررسی می‌شود. سپس در ادامه، تعدد و تداخل دیات از منظر حقوق موضوعه با محوریت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه شناخت قواعد حاکم بر تداخل یا عدم تداخل دیات یکی از مشکل‌ترین مباحث حقوق کیفری است، در این پژوهش سعی شده با مراجعه به مبانی فقهی این بحث که ریشه در قاعده عدم تداخل اسباب و مسببات دارد، قواعد و مقررات کلی حاکم بر این موضوع را استخراج نموده و در زیر هرکدام نیز موادی از قانون مجازات اسلامی آورده شود.

۱. مفهوم تعدد و تداخل دیات

تداخل بر وزن تفاعل در لغت به معنای داخل شدن دو شیء در یکدیگر است و در اصطلاح فقها به این معناست که دو یا چند سبب، مقتضی مسبب واحد باشند و همگی سبب پیدایش یک مسبب گردند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲). تداخل یعنی داخل شدن چیزی در چیزی دیگر، بدون افزایش حجم و مقدار آن (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ص ۴۱۲). مراد از تداخل دیات آن است که پرداخت یک دیه از پرداخت دیه دیگر یا دیات دیگر کفایت کند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۹). منظور از تعدد دیات این است که در صورت جنایات متعدد، دیات متعدد نیز ثابت می‌شود. با ملاحظه قانون دیات ملاحظه می‌شود که در مورد صدمات بدنی متعدد، به‌طورکلی، اصل بر اعمال سیستم جمع مجازات‌ها و تعدد دیه است؛ بنابراین چنانچه کسی مرتکب ایراد چند صدمه نسبت به شخص یا اشخاص دیگر به نحو غیرعمد یا شبه‌عمد شود به همان تعداد به پرداخت دیه یا ارش محکوم می‌شود، زیرا که در جرائم مستوجب دیه، حقوق جزایی اسلام، قاعده تعدد واقعی را اعمال می‌نماید. به‌ندرت دیده می‌شود در مواردی که عمل، متضمن ایراد چند صدمه باشد، قاعده تعدد اعتباری و در نتیجه، سیستم مجازات واحد اعمال شود و دیه اخف در دیه اشد متداخل شود (پیمانی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸ و ۱۱۱).

۱-۱. طرح موضوع از منظر فقه و اصول

اگر خواسته باشیم ریشه مبحث تعدد و تداخل دیات را در کتب فقهی و اصولی واکاوی نماییم باید سراغ «اصل عدم تداخل اسباب و مسببات» در این علوم برویم (شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۳؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۰۷؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۳، ص ۳۳). تداخل اسباب و مسببات یعنی تنزیل سبب یا مسبب به‌منزله یک سبب یا مسبب (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ص ۴۱۲).

ثمره بحث تداخل اسباب و مسببات این است که اگر اسباب با هم تداخل کنند، ایجاد جزاء متعدد تشریح و حرام است. به‌عنوان مثال، اگر دو زلزله آمد و فرد دو نماز اقامه کرد و ما قائل به تداخل اسباب شویم، نماز دوم تشریح می‌باشد و حرام است؛ چون ذمه فرد فقط به جزاء واحد مشغول بوده و زائد بر آن تشریح محسوب می‌شود. ولی اگر اسباب تداخل نکنند، احکام متعددی از سوی شارع متوجه مکلف می‌شود که در این صورت، اگر بپذیریم که مسببات با هم تداخل می‌کنند، مکلف در مقام عمل باید به امتثال واحد اکتفا کند ولی اگر قائل به عدم تداخل مسببات شویم، مکلف باید به ازای هر سببی، امتثال جداگانه انجام دهد (قبله‌ای خویی و دیگران، ۳۹۳، ص ۱۴۱-۱۴۰). در زیر ابتدا فروض چهارگانه عدم تداخل یا تداخل اسباب و مسببات و سپس مبحث دیات از رهگذر آن‌ها بررسی می‌شوند.

۱-۲. انواع عدم تداخل

۱-۲-۱. عدم تداخل اسباب

منظور این است که هر شرطی و یا هر سببی، در ثبوت جزا مداخلت دارد؛ یعنی با متعدد شدن شرط، جزا نیز متعدد خواهد شد. به‌طور مثال، برای هر غسل جنابت و حیض، فردی که هر دو غسل برای او حاصل شده است، هر سبب (حیض، جنابت)، یک غسل را اقتضا می‌کند و اسباب در یکدیگر تداخل نمی‌کنند و هر شرط و سبب، مستقل از شرط دیگر است (دهقانی محمدآبادی، ۱۳۹۰، ص ۲). منظور از عدم تداخل اسباب، تکرار و تعدد مسبب به تکرار و تعدد اسباب است؛ خواه اسباب از یک سنخ باشند، مانند چند بار ادرار کردن و یا از چند سنخ مانند ادرار کردن، خوابیدن و خروج باد معده که هرکدام سبب وجوب وضو برای نماز است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۰۹).

منظور از عدم تداخل اسباب در دیات نیز این است که سبب‌های مختلفی که موجب دیه شده است، با یکدیگر جمع نشده و به هرکدام، دیه جداگانه‌ای تعلق می‌گیرد. به-عنوان مثال برای ضرباتی که فرد بر سر و دست دیگری وارد نموده است دیات جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود و تداخل صورت نمی‌گیرد.

۱-۲-۲. عدم تداخل مسببات

منظور از عدم تداخل مسببات، کافی نبودن یک مسبب از اسباب متعدّد است. البته اصل عدم تداخل مسببات در فرض پذیرش اصل عدم تداخل اسباب معنا پیدا می‌کند؛ زیرا در صورت تداخل اسباب، مسببات نیز تداخل پیدا می‌کنند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۱۱).

اگر موضوع دیات را با این مبحث تطبیق دهیم این‌گونه می‌شود که مسبب‌ها یا نتیجه-های مختلف (دیات متعدد) برای سبب‌های متعدد در نظر گرفته شود. به‌عنوان مثال اگر فرد، ضربه‌ای بر سر دیگری وارد نماید که هم‌زمان موجب جراحت سر و زوال عقل شود، بر اساس اصل عدم تداخل مسببات، تداخل صورت نگرفته و حتی اگر با یک ضربه این مسببات به وجود آمده باشند، برای هرکدام، مستقلاً دیه‌ای می‌باشد.

۱-۳-۱. انواع تداخل

۱-۳-۱. تداخل در اسباب

منظور آن است که اسباب متعدد، حکم یک سبب را پیدا می‌کنند. تداخل اسباب عبارت است از اینکه اسباب در عالم تأثیر متحد شوند و همه آن‌ها سبب واحد شمرده شوند. بدیهی است اگر معتقد به تداخل اسباب گردیم، نیاز به بحث در مورد تداخل مسببات نیست، زیرا در این صورت اسباب، حکم سبب واحد پیدا می‌کنند و مسبب واحد را می‌طلبند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳-۱۶۲). تداخل اسباب به معنای اجتماع علل و اسباب متعدد شرعی در ایجاد مسبب واحد و اثر واحد است، یعنی به‌جای اینکه

چند سبب شرعی هر یک مسبب جداگانه‌ای داشته باشند، با یکدیگر در تأثیر تداخل می‌کنند و تنها یک مسبب به آن‌ها نسبت داده می‌شود (مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲).

درباره تداخل اسباب، فقها سه دسته‌اند: ۱. مشهور معتقدند که اصولاً اسباب با هم تداخل نمی‌کنند ۲. عده کمی از آن‌ها اعتقاد به تداخل دارند ۳. برخی دیگر میان اسبابی که از جنس‌های مختلف‌اند مانند کفاره‌های حنث قسم و ظهار افطار و اسبابی که از یک جنس‌اند مانند کفاره چندین یمین، قائل به تفکیک شده‌اند؛ در اسباب نوع اول، اصل عدم تداخل و در اسباب نوع دوم، اصل تداخل آن‌هاست (ابن ادریس حلی، السرائر، ج ۳، ص ۷۱ به نقل از قبله‌ای خوبی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۱).

به نظر می‌رسد تداخل اسباب در دیات قابل تصور نمی‌باشد؛ چون واحد فرض کردن سبب‌های متعدد، چندان معقول به نظر نمی‌رسد و نمی‌توان تصور نمود که افعال مجرمانه متعددی که مستوجب دیه است، در عالم تأثیر یکی فرض شوند و به همه آن‌ها یک دیه تعلق گیرد. آنچه در این نوشتار بیشتر مدنظر می‌باشد، «تداخل در مسببات»، یعنی «دیه» است نه «تداخل در اسباب»، یعنی آنچه موجب ثبوت دیه می‌شود. آیت‌الله موسوی بجنوردی از این قاعده با عنوان «قاعده أصله عدم تداخل الاسباب و لا المسببات» نام برده است که بیانگر همین مطلب می‌باشد؛ یعنی باید به دنبال موارد تداخل مسببات باشیم نه تداخل اسباب (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۸۱)، چون در عالم واقع، چند سبب به وجود می‌آیند و چیزی که مهم است این است که آیا یک مسبب برای همه کفایت می‌کند یا چند مسبب لازم است؟

۱-۳-۲. تداخل در مسببات

تداخل مسببات به معنای اکتفا کردن به امثال فعل واحد در مقام امثال تکلیف‌های متعدد است یعنی درجایی که تکلیف‌های متعددی متوجه مکلف شده وی بتواند با امثال یکی از عهده همه آن‌ها برآید. به بیان دیگر، کفایت انجام سبب واحد برای

سقوط اسباب متعدد شرعی را تداخل مسببات می‌گویند (مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴). در این حالت، مسبب واحد از اسباب متعدد کفایت کند، مثل اینکه انجام یک وضو برای اسباب متعدد که ناقض وضو هستند، کافی است یا اینکه غسل واحد برای چند چیز که موجب غسل‌اند کفایت می‌کند (مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰).

تداخل یا عدم تداخل مسببات فرع بر عدم تداخل اسباب است، یعنی در صورت عدم تداخل اسباب، این سؤال مطرح می‌شود که آیا مسببات در هم ادغام می‌شوند یا خیر؟ به حکم عقل واجبات متعدد با فعل واحد ساقط نمی‌شود، اگرچه به قصد امتثال برای جمیع آنها باشد. این قاعده عقلی، اقتضای عدم تداخل مسببات را دارد، مگر اینکه دلیلی دلالت بر سقوط جمیع واجبات با فعل واحد کند مثل سقوط امتثال متعدد به غسل جنابت؛ اما اگر دلیلی نباشد هر وجوبی، امتثال خاص خود را اقتضا دارد (مظفر، أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۶۷ به نقل از قبله‌ای خوبی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵).

مشهور فقها معتقد به عدم تداخل‌اند مگر اینکه در موردی خاص، دلیل بر تداخل وارد شده باشد. این مسئله نزد اکثر آنها به صورت یک قاعده فقهی درآمده است. مرحوم نراقی در عواید الأيام این قاعده را مطرح نموده است، گروهی از اصحاب و فقها تصریح نموده‌اند که اصل، عدم تداخل اسباب است و این قاعده را اساس مسائل زیادی در ابواب مختلف فقه قرار داده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳). شهید اول آورده است: «الاصل فی الاسباب عدم تداخلها و قد استثنی مواضع» (شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۳).

حال که جایگاه «تعدد و تداخل دیات» در مباحث فقهی و اصولی روشن شد، شاخص-ها و ملاک‌های تعدد و تداخل دیات را به ترتیب در دو قسمت جداگانه از منظر حقوقی مورد بررسی قرار داده و در زیر هر بحث، مبانی فقهی آن نیز آورده می‌شود.

۲. تعدد دیات در حقوق موضوعه

همان‌طور که بیان شد در دیات اصل بر تعدد و قاعده جمع دیات است و تداخل دیات یک استثنا است که نیاز به دلیل خاص یا صراحت قانون دارد که در بخش دوم به آن پرداخته خواهد شد. مستند اصل عدم تداخل دیات (تعدد دیات)، علاوه بر اطلاق ادله ای که حکایت از لزوم پرداخت دیه جداگانه برای اعضای مختلف دارد، روایت ابراهیم بن عمر از امام صادق (ع)، روایت اصبع بن نباته از امام باقر (ع) و قسمتی از صحیحہ ابی عبیدہ است که در قسمت‌های مربوطه مورد بررسی قرار خواهند گرفت (حاجی‌ده-آبادی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۴، ۳۷۹ و ۳۸۰). در این بخش، شاخص‌ها و معیارهای عدم تداخل دیات با محوریت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و منابع فقهی مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

۲-۱. تعدد جانی

در صورتی که چند نفر مرتکب جرم واحد مستوجب دیه بر مجنی‌علیه واحدی شوند در چگونگی پرداخت دیه توسط آن‌ها دو فرض قابل تصور است. فرض اول آن است که چند نفر به‌طور هم‌زمان به‌صورت مباشرتی یا تسبیبی مرتکب جرم بر یک فرد شوند و جنایت یا خسارت به همگی مستند باشد که نتیجه آن، پرداخت دیه به نحو اشتراک و به‌طور مساوی است (مواد ۴۵۳ و ۵۳۳ ق.م.ا ۱۳۹۲ و ماده ۳۶۵ ق.م.ا ۱۳۷۰). فرض دوم آن است که چند نفر به‌طور جداگانه و در زمان‌های متفاوت، مرتکب جرم بر فرد واحدی شوند که نتیجه آن، پرداخت دیه توسط هرکدام از این افراد به میزان جنایت وارده است. تبصره ۲ و ۳ ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ در این رابطه است.

۲-۲. تعدد مجنی‌علیه

یکی از مواردی که دیات جمع می‌شود، فرضی است که مجنی‌علیه بیشتر از یک نفر باشد، حتی اگر فعل مجرمانه واحد باشد. در این رابطه می‌توان به ماده ۷۱۷ و ۷۱۹

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۴۹۰ ق.م.ا. سابق اشاره نموده که در صورت تعدد جنین در رحم یا جنایت وارده بر جنین و مادر به طور هم‌زمان، تعدد دیه لازم دانسته شده است. مرحوم امام (ره) در این مورد می‌فرمایند: اگر فرزند متعدد باشد، دیه متعدد می‌شود (خمینی، ۱۴۲۵، ص ۴۳۱).

۲-۳. رفتارهای جنایی متعدد (تعدد ضربات)

یکی دیگر از مواردی که دیه متعدد می‌شود و جانی بایستی چند دیه بپردازد، زمانی است که رفتارهای جنایی متعددی انجام داده باشد. ماده ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ و قسمت انتهایی ماده ۵۹۲ در این رابطه قابل ذکر است. مستند اصل عدم تداخل دیات، درجایی که چند ضربه باعث چند جنایت شده‌اند، از یک سو استصحاب ضمان و از سوی دیگر اطلاق ادله است. استصحاب ضمان اقتضا می‌کند تداخل دیات صورت نگیرد، زیرا وقتی یک ضربه باعث قطع دست و ضربه دیگر باعث قطع پا و ضربه سوم باعث مرگ شده است، هر یک از این جنایات‌ها اثر خود را خواهد داشت و اثر هیچ‌کدام با دیگری از بین نمی‌رود و در صورت شک، استصحاب ضمان، بقای آن را اقتضا می‌کند. از سوی دیگر، اطلاق ادله نیز اقتضای عدم تداخل دارند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۶۵-۳۶۴). همچنین مستند تعدد دیات در این مورد، قسمتی از صحیحه ابی عبیده است. در این روایت چنین آمده است که امام باقر (ع) فرمودند «اگر جانی دو ضربه بزند و دو ضربه دو جنایت به بار آورد، جانی را ضامن هر دو جنایت می‌دانم هر چه می‌خواهد باشد... اگر جانی سه ضربه بزند، یکی پس از دیگری و سه ضربه سه جنایت به بار آورد او را ضامن هر سه جنایت به بار آورده می‌دانم، هر چه می‌خواهد باشد...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۳۶). مرحوم امام (ره) در مورد تداخل قصاص عضو در قصاص نفس می‌نویسند: اگر جنایات وارده با ضربات متعدد وارد شده باشند قصاص عضو در قصاص نفس تداخل نمی‌نماید (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۱۶).

البته رفتارهای جنایی متعدد در مورد حدود، بر اساس شریعت اسلام و قوانین موضوعه ایران، مجازات‌های متعددی در همه موارد در پی ندارد. در مورد تعدد جرائم حدی فقها بر این عقیده‌اند که در صورت ارتکاب متعدد یک جرم مستوجب حد توسط یک شخص و عدم اجرای مجازات حد بعد از هر جرم، مجازات‌ها در هم تداخل کرده و تنها یک مجازات حدی اجرا می‌شود. این حکم مورد اتفاق فقها در تمامی جرائم مستوجب حد بوده و تنها استثنای وارد بر آن، جرم قذف است که دلیل آن وجود روایات خاص در این زمینه و ماهیت حق‌الناسی این جرم است. این حکم از دو جهت دارای اشکال است. اول اینکه با قاعده عدم تداخل اسباب و مسببات در تعارض است. دوم اینکه نتیجه مترتب بر آن این است که بین شخصی که برای اولین بار مرتکب جرم شده و شخصی که به‌طور متعدد یک جرم را انجام می‌دهد تفاوتی نباشد و در مورد هر دو آن‌ها یک حد اجرا گردد. درحالی‌که این امر از یک‌سو برخلاف قاعده عدالت و از سوی دیگر برخلاف امنیت و نظم عمومی است (احمدی، ۱۳۹۳، ص ۵۶).

۲-۴. تعدد نتایج در اعضای مختلف

هر عضوی از اعضای بدن دیه جداگانه‌ای دارد و حتی در صورتی که چند عضو یا منفعت با یک ضربه یا رفتار جنایی ناقص شود یا چند جراحت وارد شود دیه هر کدام بایستی به‌صورت جداگانه پرداخت شود. ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به‌صراحت در این زمینه بیان کرده است که: «هرگاه در اثر یک یا چند رفتار، منافع متعدد زایل یا ناقص شود مانند اینکه در اثر ضربه به سر، بینایی، شنوایی و عقل کسی از بین برود یا کم شود، هر یک دیه جداگانه دارد». به‌غیراز قاعده کلی که در مواد فوق مقرر شده، در مواد مختلفی به‌صورت موردی نیز به آن اشاره شده که از جمله آن‌ها می‌توان به مواد ۵۴۸، ۵۷۴، ۶۳۰، ۶۴۹، تبصره ماده ۵۹۰، ۶۵۹، ۶۶۹ و ... اشاره نمود.

صاحب شرایع نوشته‌اند که اگر پلک‌ها با دو چشم کنده شوند، دیه پلک‌ها با دیه چشم‌ها تداخل نمی‌کند و هرکدام دیه جداگانه دارد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۹۹). در تبصره ماده ۵۹۰ این امر منعکس شده است که «هرگاه کسی چشم و پلک را یکجا از بین ببرد، هر یک دیه جداگانه دارد».

مستند مشهور فقها برای عدم تداخل دیات در فرض نتایج مختلف، اصل عدم تداخل مسببات شرعی، اجماع فقها (نورانی و صادقی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۹) و اطلاق ادله است؛ ادله‌ای که می‌گوید: در عقل دیه‌ای است و در شنوایی نیز دیه‌ای دیگر است چه با یک ضربت و چه با چند ضربت از بین رفته باشند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۴). همچنین مستند آن، روایت ابراهیم بن عمر است که ایشان از امام صادق (ع) نقل می‌کند حضرت امیرالمؤمنین (ع) درباره مردی که با عصا دیگری را مضروب ساخته و در نتیجه شنوایی و بینایی و گوئیایی و عقل و آلت تناسلی او از بین رفته و قدرت جنسی او منقطع شده، اما در عین حال مجنی علیه زنده مانده است، چنین حکم کردند که شش دیه به او باید داده شود (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۲۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۶۲). همچنین شیخ حر عاملی، روایتی را آورده‌اند که مردی در زمان امیرالمؤمنین (ع)، ضربه‌ای بر سر دیگری وارد کرد. مضروب ادعا کرد که بینایی و بویایی و قدرت تکلم خود را به کلی از دست داده است، حضرت فرمود: اگر مضروب راست بگوید، سه دیه نفس برای او لازم است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۶۴).

در بحث تعدد نتیجه در دیات، قانون‌گذار درصدد نوآوری بوده و تلاش نموده تا بحث تداخل و تعدد دیات را با تأسیس اصولی در قالب قواعد کلی بیان نماید ولی بسیار ناقص عمل نموده و مشکلات زیادی در این قانون دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، در بیان «حکم جنایات متعدد ناشی از یک ضربه جانی» مقنن دقت کافی نداشته است. مصداق بارز این ادعا، تعارض آشکار میان ماده ۵۴۶ و ۶۷۸ این قانون و همچنین وجود تنافی میان ماده ۵۴۶ و مواد ۵۴۰ و ۲۹۶ همین قانون است. افزون بر این، نگارش متن ماده

۵۴۶ به‌گونه‌ای است که عملاً با هیچ‌یک از آرای فقیهان همخوانی کامل ندارد و اساساً این حکم در آرای هیچ‌یک از فقیهان امامیه، نه مشهور و نه اقلیت وجود ندارد (نورائی و صادقی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۷-۱۹۶).

۲-۵. در جراحات نوعاً غیرمسری

در صورتی که فردی صدمه یا جراحی بر دیگری وارد نماید و در اثر سرایت این صدمه یا جراحی، آن فرد فوت نماید یا جراحی وی بیشتر شود، در این صورت اگر صدمه یا جراحی وارده اولی، «نوعاً سرایت‌کننده نباشد» و اتفاقاً سرایت کرده باشد دیه هر دو جراحی باید پرداخت شود. مثلاً اگر کسی انگشت دیگری را قطع نماید و در اثر سرایت این صدمه فرد فوت نماید، دیه هر دو جنایت باید پرداخت شود، چون قطع یک انگشت نوعاً باعث سرایت منجر به فوت نمی‌شود و چون اتفاقاً سرایت نموده است دو دیه جداگانه لازم می‌آید. بند ب ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲ مقرر داشته است «...دیه صدمات غیرمسری جداگانه محاسبه و مورد حکم واقع می‌شود». همچنین در ماده ۵۴۰ این قانون به موضوع سرایت صدمه غیرمسری و پرداخت دیه جداگانه اشاره نموده است.

۲-۶. در صورتی که از بین بردن عضو، ملازمه با از بین رفتن منفعت همان عضو یا دیگری نداشته باشد

در صورتی که از بین بردن یک عضوی از بدن، لزوماً از بین بردن منفعت همان عضو یا منفعت عضو دیگری را به همراه نداشته باشد، ولی اتفاقاً منفعت همان عضو یا عضو دیگری از بین برود، دیات متعدد ثابت می‌شود. به عبارتی دیگر؛ اگر منفعتی قائم به عضو خاصی نباشد و آن عضو فقط در تسهیل منفعت مؤثر باشد، در صورتی که همراه با قطع همان عضو یا عضو دیگری، آن منفعت نیز از بین برود، بایستی دیه هر کدام جداگانه پرداخت شود؛ مثلاً اگر در اثر صدمه به سر، بینایی نیز از بین برود دو دیه لازم است،

چون صدمه به سر لزوماً از بین رفتن بینایی را به همراه ندارد و بین آن‌ها هیچ‌گونه رابطه علی و معلولی وجود ندارد. مواد ۵۴۵ و ۵۴۶ ق.م.ا. ۹۲ به‌صراحت مؤید این موضوع است. همچنین می‌توان به ماده ۶۷۸، قسمت اخیر ماده ۶۹۲، ماده ۶۹۴ و قسمت دوم ماده ۶۹۶ نیز اشاره نمود.

علامه در قواعد آورده‌اند: اگر بینی کسی را قطع کنند و حس بویایی او از بین برود دو دیه به او تعلق می‌گیرد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۸۸). در تحریر الوسیله امام (ره) نیز آمده است که اگر کسی بر دیگری جنایتی وارد کند که بویایی‌اش از بین برود، علاوه بر دیه بویایی، دیه جنایت نیز باید پرداخت شود و اگر دیه مقدر نباشد، باید ارزش آن پرداخت شود (خیمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹۲). صاحب جواهر در مورد این مسئله مرقوم فرمودند که اختلاف و اشکالی در این مسئله نیست، زیرا وقتی از لحاظ محل و اثر، دو جنایت است و هر جنایت دیه‌ای دارد، اصل عدم تداخل دیات است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۳۱۱). علت این امر این است که منفعت بویایی و شنوایی، خارج از گوش است (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۱۱۲) و از بین بردن گوش، لزوماً از بین بردن شنوایی را در پی ندارد؛ به همین خاطر در صورتی که با از بین بردن گوش، شنوایی نیز از بین برود، دو دیه لازم می‌شود.

۲-۷. نظر عرف بر تعدد دیات

کاربرد عرف در حقوق جزا در حد تطبیق مصادیق با احکام است^۲ و با استناد به آن نمی‌توان عملی را جرم شناخت و برای آن مجازات تعیین نمود. در حقوق کیفری ایران در بسیاری از موارد در تبیین مسائل و درک بهتر آن به عرف مراجعه می‌شود، به‌عنوان مثال برای تحقق توهین مندرج در ماده ۶۰۸ تعزیرات ۱۳۷۵ قاضی باید به عرف محل مراجعه نماید تا ببیند الفاظ گفته‌شده توهین هست یا نه؛ کما اینکه استفساریه مجلس در مورد مفهوم توهین در همین زمینه است. همچنین در مبحث موجبات ضمان

نیز، در برخی موارد، ضابطه عرفی ملاک مسئول بودن جانی قرار داده شده است. در مبحث حدود نیز، معیار تشخیص حرز، «عرف» قرار داده شده است.

ولی برعکس موارد گفته‌شده در فوق که در مجازات‌های تعزیری و بازدارنده به عرف مراجعه می‌شود، تا به حال در قوانین کیفری ایران در مبحث دیات و تعیین مقدار دیه، نظر عرف مورد توجه قرار نگرفته است ولی در قانون مجازات اسلامی ۹۲، در مورد تعیین دیات، «عرف»، نیز یکی از ضابطه‌ها و معیارهایی است که در متعدد بودن جنایت و به همان نسبت تعیین دیات متعدد به آن توجه شده است. در ماده ۵۴۳ این قانون، در بند پ آن، یکی از شرایط تداخل دیات را عرف دانسته است: «آسیب‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود». در ماده ۵۷۰ نیز نظر عرف به عنوان مرجع تشخیص تعدد دیه دانسته شده است.

آیت‌الله فاضل لنکرانی «عرف» را به عنوان یکی از منابع تشخیص تعدد یا تداخل دیات معرفی کرده‌اند و در پاسخ به این سؤال که «چنانچه در اثر ضربه مستوجب دیه چند نقطه از یک استخوان مانند استخوان ساق پا دچار شکستگی شود، آیا هر شکستگی دیه جداگانه دارد یا پرداخت یک دیه برای همه آنها کافی است؟» فرموده‌اند که اگر عرفاً چند جنایت محسوب شود، مقتضای تعدد جنایت، تعدد دیه است و هر یک دیه مستقل دارد (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳ و ۲۶۴).

حال که در قانون جدید، عرف نیز در تشخیص تعدد یا تداخل نقش دارد، ابهام از حیث به‌کارگیری این امر و استفاده از نظر عرف به نظر می‌رسد و آن این است که مشخص نیست منظور از عرف در اینجا «عرف عام یا غیر کارشناس» است یا «عرف خاص و کارشناس»؟ به عبارت دیگر، «عرف مرجع» مشخص نشده است.

با توجه به اینکه وصف عرف به عموم و استفاده از واژه «عرف عام» نمی‌تواند در توضیح و تبیین این مسئله نقشی به سزا داشته باشد، زیرا گاه در دو منطقه یا دو زمان نزدیک به هم داوری عمومی متفاوت خواهد بود. گذشته از این داوری افراد مذهبی،

نیمه مذهبی و فارغ از مذهب در موضوعی واحد متفاوت است (علیدوست، ۱۳۸۶، ص ۴۳۳). به همین خاطر باید منظور از عرف در تعیین و تشخیص دیات را «عرف خاص» دانست که در حقوق ایران و رویه قضایی در این زمینه، نظریه «پزشکی قانونی»، مبنای احکام قضایی است.

۳. تداخل دیات در حقوق موضوعه

همان‌طور که در بخش اول بیان شد اصل بر عدم تداخل مسببات و به تبع آن، عدم تداخل دیات است. باید تنها در مواردی که دلیلی بر تداخل یا عدم تداخل وارد شده باشد، به آن نص خاص عمل کرد و در صورت فقدان نص بر تعیین تکلیف، به اصل عدم تداخل عمل خواهد شد، زیرا در فقدان نص یا دلیل، به اصل باید تمسک جست که: «الاصل دلیل حیث لا دلیل».

بحث تداخل دیات در کتب فقهی با عنوان «تدخل ديه الطرف في ديه النفس» مطرح شده است. مراد از «طرف» معنای عام آن است و هرگونه جنایت مادون نفس اعم از قطع عضو، جرح و لطمه آن و سلب منافع، جنایت برطرف محسوب می‌شود. همچنین مراد از دیه در این قاعده معنای عام آن است که شامل ارش نیز می‌شود.

در قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ به‌طور متفرقه در چند ماده بحث تداخل دیه مطرح شده بود. یکی در مورد تداخل دیه عضو در نفس بود که بیان می‌داشت: «هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل، چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو، قصاص یا دیه نیست» (ماده ۲۱۸). ماده ۳۷۴ نیز در مورد تداخل دیه مو در دیه عضو بود. در قانون مجازات اسلامی ۹۲، این موضوع مهم موردتوجه مقنن قرار گرفته و فصل هفتم کتاب دیات را با عنوان «تداخل و تعدد دیات» به این امر اختصاص داده است. در کتاب قصاص نیز، مسئله تداخل جنایات از مواد ۲۹۶ تا ۳۰۰ مطرح شده است.

مستند تداخل دیات، روایت صحیحه ابی عبیده است. ابی عبیده می‌گوید: «از امام باقر (ع) سؤال کردم، مردی با عمود خیمه بر سر مرد دیگری یک ضربه زده و سر او را شکافته تا اینکه ضربه به مغز می‌رسد و عقل او از بین می‌رود ... آیا به خاطر شکافتن سر مضروب چیزی بر عهده جانی است؟ حضرت (ع) فرمودند: خیر، زیرا جانی یک ضربه زده و آن یک ضربه باعث دو جنایت شده است در نتیجه او را به جنایت شدیدتر که دیه کامل است، ملتزم نمودم...» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۲۹۳). تداخل دیات خود بر دو قسم «تداخل دیه مادون نفس (طرف یا عضو) در دیه نفس» و «تداخل دیه اطراف در همدیگر» تقسیم می‌شود که به ترتیب این مباحث را از منظر فقهی و حقوقی بررسی می‌نماییم.

۳-۱. تداخل دیه طرف در دیه نفس

در مورد تداخل دیه مادون نفس در نفس حالات مختلفی در فروع ضربه واحده یا ضربات متعدد قابل تصور است که به هرکدام به‌طور خلاصه اشاره می‌شود. فرض اول حالتی است که با ضربه واحدی که بر یک عضو وارد می‌شود، مرگ نیز محقق می‌شود. در این صورت دیه اخف (مادون نفس) در دیه اکثر (نفس) داخل شده و فقط دیه نفس پرداخت می‌شود. ماده ۲۱۸ قانون سال ۷۰ که در فوق آمد، این حالت پیش‌بینی شده بود. ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲ نیز مقرر داشته است که: «هرگاه مجنی علیه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیر عمدی فوت نماید یا عضوی از اعضای او قطع شود یا آسیب بزرگ‌تری ببیند به ترتیب ذیل دیه تعیین می‌شود: فرض اول، در صورتی که صدمه وارده یکی باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگ‌تر ثابت می‌شود». همچنین قسمت اول ماده ۵۴۷ این قانون بیان می‌دارد که: «هرگاه جراحت عمیقی مانند منقله و یا جائفه یک‌باره واقع شود، تنها دیه همان جراحت عمیق پرداخت می‌شود...».

در وسایل الشیعه روایتی^۳ آمده است که هرچند در باب قصاص است ولی می‌توان با وحدت ملاک آن را در هر مورد که باید دیه پرداخت شود، جاری دانست. در این روایت آمده است که اگر مردی، چشم دیگری را از بین ببرد و گوش او را نیز قطع نماید سپس او را به قتل برساند، ... اگر ضربه واحد باشد، گردن وی زده می‌شود و در برابر چشم و گوش قصاص عضو نمی‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۱۱۲). در همین کتاب، روایت^۴ دیگری نیز آمده است که بر این امر دلالت دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۱۱۲). همچنین در این مورد می‌توان به روایت ابی عبیده که قبلاً بیان شد استناد کرد که در آن ضربه واحد، باعث ثبوت دیه بیشتر دانسته شده است. البته مرحوم امام خمینی (ره) گفته‌اند که اصحاب ما از این روایت اعراض نموده‌اند و احتیاط در مصالحه است (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۵۸). شیخ طوسی مستند تداخل دیات را در اینجا اصل برائت دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۳).

فرض دوم حالتی است که ضربه واحده، جنایات متعددی در اعضای مختلف بدن مجنی^۵ علیه به وجود آورد ولی مرگ مستند به همه این جراحات باشد. در این صورت نیز می‌توان با وحدت ملاک از ماده ۲۹۸ قانون مجازات اسلامی ۹۲ گفت که فقط دیه نفس قابل پرداخت است. مطابق این ماده: «اگر کسی با یک ضربه عمدی، موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی^۶ علیه شود، چنانچه همه آنها به طور مشترک موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، فقط به قصاص نفس محکوم می‌شود».

فرض سوم حالتی است که ضربات متعدد بر اعضای مختلف بدن مجنی^۷ علیه وارد می‌شود و مرگ در اثر سرایت تمام صدمات وارده است. بند ب ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲ در این زمینه بیان داشته: «در صورت تعدد صدمات چنانچه مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر، در اثر سرایت تمام صدمات باشد، تنها دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگ‌تر ثابت می‌شود...».

فرض چهارم حالتی است که ضربات وارده متعدد است و جراحات متعددی در اعضای مختلف ایجاد می‌کند ولی مرگ ناشی از سرایت بعضی از این جراحات است؛ مثلاً فرد، دست دیگری را قطع نماید و سپس به قلب وی جراحی وارد نماید که جراحی وارده اخیر به مرگ منتهی شود و قطع دست در مرگ نقش نداشته باشد. در این فرض دیه جراحی وارده به قلب در دیه نفس تداخل کرده ولی اینکه آیا جراحی وارده در دست نیز در دیه نفس تداخل می‌کند یا نه؟ میان فقها اختلاف نظر وجود دارد.

در این مورد، سه دیدگاه در میان فقهای امامیه دیده می‌شود: تداخل، عدم تداخل و تفصیل. بسیاری از فقها به تداخل دیه طرف در دیه نفس عقیده دارند. برخی مثل آیت-الله خوئی به عدم تداخل معتقدند و برخی همچون محقق اردبیلی قائل به تفصیل اند؛ به این معنا که اگر دو ضربه که یکی بر عضو و دیگری بر نفس وارد شده است، از حیث زمان متقارب باشند، مثل اینکه هر دو در یک مجلس واقع شوند، تداخل دیه صورت می‌گیرد ولی اگر میان دو ضربه فاصله زمانی زیادی باشد، قائل شدن به تداخل دیه مشکل است (خوئی، ج ۲، ص ۳۴۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴۲۲).

علامه حلی و آیت‌الله بهجت در مورد تداخل دیه عضو در دیه نفس، «وحدت جانی» را ملاک قرار داده و بیان داشته‌اند: اگر جانی متحد بود دیگر عضو در دیه نفس تداخل می‌کند و بر این امر اجماع شده است و اما در مورد تداخل قصاص اختلاف می‌باشد که قول قوی تداخل است اگر با یک ضربه باشد و اگر با چند ضربه باشد تداخل نیست همچنین اگر زخم سرایت کرد و طرف از دنیا رفت اینجا نیز تداخل وجود دارد (علامه حلی، ۱۴۲۱، ص ۳۳۷؛ بهجت، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۷۹).

تکلیف این مورد در قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ مشخص نشده بود ولی در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ در قسمت دوم بند ب ماده ۵۳۹ آمده است: «در صورت تعدد صدمات... اگر مرگ یا قطع عضو یا آسیب بزرگ‌تر در اثر سرایت برخی از صدمات باشد، دیه صدمات مسری در دیه نفس یا عضو یا آسیب بزرگ‌تر تداخل می‌کند و دیه

صدمات غیرمصری جداگانه محاسبه و مورد حکم واقع می‌شود». بدین ترتیب معلوم می‌شود که در قانون جدید، نظریه «عدم تداخل» در مورد صدمات غیر مؤثر در قتل پذیرفته شده است و در دیه نفس تداخل نمی‌کنند.

۳-۲. تداخل دیه اطراف

مقصود از طرف یا عضو در اینجا غیر نفس و جان است، یعنی هر آسیبی که به بدن وارد می‌شود اما موجب کشته شدن شخص نمی‌شود اگرچه به اعضای معروف بدن مانند دست یا پا تعلق نگرفته باشد (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۹۷). در ماده ۳۸۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ آمده است: «جنایت بر عضو عبارت است از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارد بر منافع است».

فیض کاشانی بر این باور هست که جنایت بر عضو و جنایت بر منفعت با یکدیگر تداخل نمی‌کنند (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۶). ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی ۹۲ برای اولین بار، شرایط تداخل دیات را به صورت قاعده‌مند بیان کرده است. طبق این ماده: «در صورت وجود مجموع شرایط چهارگانه ذیل، دیه آسیب‌های متعدد تداخل می‌کند و تنها یک آسیب ثابت می‌شود: الف- همه آسیب‌های ایجادشده مانند شکستگی‌های متعدد یا جراحات متعدد از یک نوع باشد. ب- همه آسیب‌ها در یک عضو باشد. پ- آسیب‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود. ت- مجموع آسیب‌ها با یک رفتار مرتکب به وجود آید».

با توجه به ضوابطی که در مورد تداخل دیه عضو در دیه نفس بیان داشتیم، مشکل احراز تداخل یا عدم تداخل دیات اعضا در همدیگر نیز فقط در فرضیه ضربه واحده و نتایج متعدد است که میان فقهای بزرگ گذشته و حال اختلاف نظر وجود دارد که نظرات مطرح شده در این مورد عبارت‌اند از:

۳-۲-۱. عدم تداخل مطلقاً

محقق حلی در این مورد فرموده‌اند: «اگر جانی سر مجنی‌علیه را مجروح کرد و در اثر این جنایت، عقل وی زایل گردید، دیه دو جنایت در هم تداخل نمی‌کند و در روایتی چنین آمده است که اگر با یک ضربه واقع شده در هم تداخل می‌کند و نظر اول که عدم تداخل است اشبه می‌باشد» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۵۵). مرحوم صاحب جواهر در شرح این مطلب بیان داشته‌اند اگر به‌عنوان مثال جانی سر کسی را شکافت و یا مثلاً دست وی را قطع کرد و این کار موجب زایل شدن عقل مجنی‌علیه گردید، دیه این دو جنایت به خاطر اصل عدم تداخل و به جهت روایت ابراهیم بن محمد در هم تداخل نمی‌کند و لکن در روایت صحیح‌های آمده است که اگر جنایات به یک ضربه واحد متحقق شده است دیه‌های آن‌ها در هم تداخل می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۹۳).

ایشان بعد از آوردن صحیح‌ه الحذا و نقل اقوال بزرگان، عدم تداخل را اختیار کرده‌اند و صحیح‌ه را قاصر از معارضه با ادله مختارشان می‌دانند و درنهایت آورده‌اند که قول به عدم تداخل مشهور بلکه اشهر است و این نظر به اصول و قواعد مذهب شبیه‌تر است بلکه همه متأخرین بر آن هستند و شیخ طوسی در خلاف ادعای اجماع بر آن دارد و ظاهر عبارت شیخ در مبسوط نیز وجود اجماع بر این قول می‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۳۵؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۲۷). تنها مشکل این نظریه، صحیح‌ه ابی عبیده الحذا می‌باشد که در آن به تداخل دیات در صورت ضربه واحد تصریح شده است. قائلین به عدم تداخل حتی در ضربه واحد در مقام پاسخ از این صحیح‌ه، اموری چون عدم عمل اکثر فقها به این روایت و تقدم روایت ابراهیم بر این صحیح‌ه به جهت مشهور بودن آن را مطرح کرده‌اند (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۸۸).

۳-۲-۲. تداخل دیات در صورت واحد بودن ضربه در مطلق جنایات

مرحوم شیخ طوسی در نهاییه و مرحوم ابن سعید در الجامع از جمله قائلین به این قول می‌باشند و مستند این قول، «صحیحہ ابی عبیدہ الحذاء» است که قبلاً متن آن بیان شد. در این صحیحہ به صراحت میان جنایات پدید آمده از ضربه واحده و جنایاتی که ناشی از ضربات متعدد می‌شود تفصیل داده شده و بر تداخل دیات در ضربه واحده و عدم تداخل آن در ضربات متعدد تصریح شده است (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷، ص ۳۴۶).

۳-۲-۳. تداخل دیات در صورت تعدد جنایات در یک عضو و با یک ضربه

تداخل دیات در صورتی که تعدد جنایات مربوط به یک عضو و جرح متصل بوده باشد و با یک ضربه نیز حاصل شده باشد و الا اگر جرح در دو یا چند عضو بوده باشد هر جراحت و آسیبی دیه خودش را دارد حتی اگر تمام آن‌ها با یک ضربه حاصل شده باشد. قائل این تفصیل، آیت‌الله خوئی (ره) می‌باشند. ایشان آورده‌اند: اگر دو عضو مختلف یک شخص زخمی گردد مانند دست و سر یک شخص در اینجا هر زخمی حکم خاص خوش را دارد اگر زخم سر به اندازه موضعه باشد و زخم دیگر کمتر از موضعه باشد در اینجا در اولی دیه موضعه و در دومی به هر اندازه که باشد دیه گرفته می‌شود و فرقی در این نیست که دو زخم با یک ضربه باشد یا با دو ضربه و اگر دو موضع از یک عضو زخم گردد مانند سر و پیشانی یا پیشانی یا مثل آن که زخم متصل به هم باشد در اینجا یک دیه واجب است. (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۷۵).

۳-۳. شاخص‌ها و معیارهای تشخیص تداخل دیات

در این قسمت، قواعدی که در لایبلی مواد قانون مجازات اسلامی ۹۲ در مورد تداخل دیات نهفته است را استخراج و هر کدام را به‌طور جداگانه در یک‌بند به اختصار توضیح می‌دهیم.

۳-۳-۱. در جراحات نوعاً مسری

در صورتی که فردی جراحت یا صدمه‌ای بر دیگری وارد نماید و آن جراحت یا صدمه سرایت نماید و فرد بر اثر این سرایت فوت نماید یا باعث وارد شدن جراحت یا صدمه شدیدتری شود، در صورتی که آن جراحت یا صدمه «نوعاً و عرفاً» سرایت‌کننده باشد، فقط دیه فوت یا جراحت شدیدتر پرداخت می‌شود و دیه جراحاتی که نوعاً سرایت‌کننده بوده است پرداخت نمی‌شود و در واقع در دیه فوت یا جراحت شدیدتر تداخل می‌کند. شرایط تداخل دیات در این مورد در ماده ۵۳۹ ق.م.ا. انعکاس یافته است. مقررات مواد ۵۴۷ و ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی نیز در این مورد می‌باشد.

در جنایات طولی، قاعده تداخل دیات جاری می‌شود؛ به این معنا که اگر جنایت اخیر مسبب از جنایت قبلی و مترتب بر آن باشد، مثل آنکه زخمی پوست سر را بشکافد و استخوان را بشکند، در اینجا دیه جراحات‌های سابق داخل در دیه شکستگی می‌شود و دیگر نباید برای زخم حارصه، دامیه و متلاحمه، دیه جداگانه تعیین شود؛ چه شکستگی استخوان مترتب بر زخم‌های قبلی و دیه‌اش سنگین‌تر از دیه زخم‌های ماقبل خود می‌باشد (گرجی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲).

۳-۳-۲. در صورتی که از بین بردن عضو ملازمه با از بین رفتن منفعت نیز داشته باشد

در صورتی که فرد یکی از اعضای بدن دیگری را از بین ببرد و همراه آن، منفعتی نیز از بین برود، در این صورت اگر بین این دو ملازمه وجود داشته باشد، یعنی از بین رفتن عضو، به‌طور قطع، از بین رفتن منفعتی را نیز به همراه داشته باشد، تداخل دیات صورت می‌گیرد و فقط یک دیه ثابت می‌شود. به‌عنوان مثال اگر فرد، چشم دیگری را از بین ببرد، چون بینایی نیز ملازم و همراه آن است، از بین می‌رود. مطابق ماده ۵۴۵ قانون مجازات اسلامی ۹۲: «هرگاه منفعتی قائم به عضوی باشد در جنایت بر آن عضو که منجر به زوال یا از بین رفتن عضو گردد تنها دیه بیشتر ثابت می‌شود...». در ماده ۵۴۶ به‌طور مفصل‌تر این امر بیان شده است.

بر اساس ماده ۶۹۶ این قانون: «هرگاه با قطع تمام زبان، حس چشایی از بین برود، فقط دیه قطع زبان پرداخت می‌شود...». از آنجایی که حس چشایی تابع و قائم به زبان است، یعنی از بین بردن زبان، لازمه‌اش از بین بردن حس چشایی است، دیه منفعت چشایی با دیه زبان تداخل می‌کند، یعنی بیش از ثبوت دیه قطع زبان چیز دیگری ثابت نمی‌شود. چنانچه جنایت دیگری غیر از قطع زبان باعث از بین رفتن حس چشایی شود، طبق اصل عدم تداخل برای هر کدام دیه یا جریمه جداگانه تعیین می‌شود (گرجی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷).

۳-۳-۳. نظر عرف بر دیه واحد

همان‌طور که در بخش اول بیان شد در قانون مجازات اسلامی ۹۲، عرف به‌عنوان یکی از مراجع تشخیص تعدد یا تداخل دیات شناخته شده است که در این قسمت فقط مواردی که نظر عرف را راجع به تداخل دیات معتبر می‌داند ذکر می‌کنیم. در ماده ۵۴۳ که شرایط چهارگانه تداخل دیات آمده، در بند پ آن مقرر شده است که «آسیب‌ها متصل به هم یا به‌گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود». در واقع مطابق این ماده «عرف» در کنار شرایط دیگر به‌عنوان یک مرجع تشخیص تداخل دیه شناخته شده است. مطابق ماده ۵۶۱ و مفهوم مخالف ماده ۵۷۰ نیز نقش عرف در تشخیص تداخل پذیرفته شده است.

۳-۳-۴. از بین بردن موهای غیر «سر»، «ریش» و «ابرو» همراه از بین رفتن عضو یا پوست

در ماده ۳۷۴ قانون مجازات اسلامی ۷۰، در مطلق موهای بدن (موهای سر، ریش و ابرو و سایر موهای بدن)، قاعده تداخل دیات و پرداخت دیه محل مو یا عضو پذیرفته شده بود (الهام، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷) ولی در قانون مجازات اسلامی ۹۲، قانون‌گذار با توجه به نظر فقهای متقدم، بین موهای سر، ریش و ابرو و سایر موهای بدن تفاوت گذاشته و در

موهای غیر سر، ریش و ابرو، در صورتی که با عضو یا پوست کنده شوند، قاعده تداخل دیات را پذیرفته است. مطابق ماده ۵۸۴: «از بین بردن تمام یا قسمتی از موی پلک یا سایر موهای بدن در صورت بروز عیب و نقص موجب ارش است، خواه بروید خواه نروید و چنانچه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن باشد، تنها دیه یا ارش محل مو پرداخت می‌شود».

جمع‌بندی

بحث تداخل یا عدم تداخل اسباب و مسببات که دارای مبانی فقهی و اصولی است، در بخش کلیات (کتاب اول)، قصاص (کتاب سوم) و دیات (کتاب چهارم) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به طرق مختلف انعکاس پیدا کرده است. این موضوع یکی از مباحث نسبتاً پیچیده در علم اصول و حقوق محسوب می‌شود؛ به نحوی که برخی از فقها همانند محقق حلی در آن توقف نموده‌اند یا مرحوم امام خمینی (ره) آن‌ها از مباحث مشکل دانسته‌اند.

موضوع تداخل اسباب و مسببات در بحث جرائم تعزیری و مستوجب حد بیشتر در مرحله اجرای مجازات مورد توجه قرار گرفته است. به این معنا که در مورد جرائم تعزیری، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود (ماده ۱۳۴). در مورد حدود نیز فروض مختلفی پیش‌بینی شده است؛ به طوری که اگر از اجرای مجازات خفیف‌تر، هیچ نتیجه‌ای از منظر اهداف کیفر حاصل نشود، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود. تبصره ۱ ماده ۱۳۲ در این رابطه، بین تبعید و اعدام یا حبس و اعدام، فقط اعدام را قابل اجرا دانسته است. اگر یک جرم، لازمه و مقدمه جرم دیگری باشد، همانند تفخیز در لواط، فقط مجازات اشد (اعدام) اجرا می‌شود (تبصره ۲ ماده ۱۳۲). همچنین اگر مرتکب جرم زنا واحد باشند و جرائم متعدد باشد که دارای مجازات متفاوت باشند؛ همانند زمانی که مرد و

زنی باهم چندین مرتبه زنا کنند که دارای مجازات اعدام و جلد باشد، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود.

در مورد دیات نیز همان‌طور که در ماده ۵۳۸ نیز آمده، در مورد دیات اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنهاست مگر در مواردی که شرایط تداخل وجود داشته باشد. شرایط چهارگانه تداخل نیز عبارت‌اند از: واحد بودن مرتکب جنایت، واحد بودن رفتار جنایی، واحد بودن نوع آسیب وارده و عرفاً یک نوع آسیب محسوب شدن. تشخیص سه معیار اول با توجه به ادله اثبات دعوا همانند شهادت شهود و نظریه پزشکی قانونی چندان دشوار نمی‌نماید ولی تشخیص عرف درباره موضوع تعلق یک دیه یا چند دیه کار بسیار دشواری است. از ایرادات اصلی مقنن درباره این موضوع نیز همین امر است؛ چون مشخص نیست منظور از عرف در اینجا عرف عام یعنی عامه مردم است یا عرف خاص یعنی پزشکی قانونی. با توجه به اینکه عموماً مردم نسبت به این مباحث اطلاعات تخصصی ندارند، باید منظور، عرف خاص باشد و بهتر است قانون‌گذار منظور خویش از عرف جهت تشخیص تداخل دیات مشخص سازد.

در این پژوهش ضوابطی که برای تشخیص تعدد دیات معرفی و موردبررسی قرار گرفت عبارت‌اند از: تعدد جانی، تعدد مجنی‌علیه، تعدد رفتار جنایی، تعدد نتایج مجرمانه در اعضای مختلف بدن، نوعاً مسری بودن جراحات وارده، ملازم نبودن از بین رفتن عضو با منفعت همان عضو یا عضو دیگر و عرفاً چند جنایت محسوب شدن آسیب‌های وارده. موارد تداخل دیه نیز عبارت است: نوعاً مسری بودن جراحات وارده، ملازم بودن از بین رفتن عضو با منفعت همان عضو یا عضو دیگر و عرفاً یک جنایت محسوب شدن آسیب‌های وارده.

یادداشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه تعدد جرائم تعزیری رجوع شود به: فروغی، فضل‌الله و رحیمیان، رضا، ارزیابی تعدد مادی جرائم تعزیری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله

مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴، ص ۲۰۳-۱۷۱؛
قیاسی، جلال‌الدین، بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه، فصلنامه فقه و حقوق،
بهار ۱۳۸۸، شماره ۲۰، ص ۱۶۸-۱۳۳؛ زراعت، عباس، تمایز حالت معنوی جرائم از عناوین
مشابه، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲،
ص ۸۷-۶۹.

۲. در مورد رابطه عرف و استنباط احکام شرعی مراجعه شود به: ایزدی فرد، علی‌اکبر؛ نعمت-
زاده، رجب‌علی و کاویار، حسین، عرف و جایگاه آن در استنباط احکام شرعی، مطالعات فقه و
حقوق اسلامی، سال ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸، ص ۷۳-۴۵؛ موسوی بجنوردی، سید محمد،
جایگاه عرف در حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام، پژوهشنامه متین، سال ۱۳۸۱، شماره ۱۵ و
ص ۴۸-۲۳.

۳. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَ فِي رَجُلٍ فَقَأَ عَيْنِي رَجُلٍ وَ قَطَعَ أُذُنِي ثُمَّ قَتَلَهُ - فَقَالَ إِنْ كَانَ
فَرَّقَ ذَلِكَ أَقْتَصَّ مِنْهُ ثُمَّ يُقْتَلُ - وَ إِنْ كَانَ ضَرْبُهُ ضَرْبَةً وَاحِدَةً - ضَرَبْتُ عُقْفَهُ وَ لَمْ يُقْتَصَّ مِنْهُ»
(حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۱۱۲).

۴. «بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبِخْتَرِيِّ
قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ رَجُلٍ ضَرَبَ عَلَى رَأْسِهِ فَذَهَبَ سَمْعُهُ وَ بَصَرُهُ - وَ اخْتَقَلَ لِسَانُهُ ثُمَّ
مَاتَ فَقَالَ - إِنْ كَانَ ضَرْبُهُ ضَرْبَةً بَعْدَ ضَرْبِهِ أَقْتَصَّ مِنْهُ ثُمَّ قُتِلَ - وَ إِنْ كَانَ أَصَابَهُ هَذَا مِنْ ضَرْبِهِ
وَاحِدَةً قُتِلَ وَ لَمْ يُقْتَصَّ مِنْهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۱۱۲).

کتابنامه

- احمدی، زهرا (۱۳۹۳)، «تداخل مجازات‌ها در تعدد جرایم مستوجب حد و چالش‌های آن»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، دوره چهل و ششم، ش ۹۷.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- الهام، غلامحسین (۱۳۷۴)، بررسی مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم، بی‌جا: انتشارات بشری، چاپ اول.
- بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی، قم، چاپ اول.
- بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۶)، جامع المسائل، قم: دفتر معظم‌له، قم، چاپ دوم.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۴)، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم (حقوق کیفری عمومی)، قم: انتشارات معاونت پژوهشی مجتمع آموزشی عالی قم، چاپ اول.
- جمعی از پژوهشگران، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (قدرت‌الله انصاری، محمدجواد انصاری، ابراهیم بهشتی، سید علی‌اکبر طباطبائی) (۱۳۸۶)، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۴)، قواعد فقه دیات (مطالعه تطبیقی در مذاهب اسلامی)، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بی‌جا.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۷)، قواعد فقه جزایی (حدود و تعزیرات، قصاص و دیات)، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۴)، «نقدی بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در زمینه تداخل قصاص»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره چهل و هشتم، ش ۲.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام، چاپ اول.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی (۱۴۲۵)، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و یکم.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی (بی‌تا)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دار‌العلم، چاپ اول.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۲)، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره، چاپ اول.
- دهقانی محمدآبادی، منصوره (۱۳۹۰)، بررسی اصولی و فقهی مبانی آثار تداخل و عدم تداخل اسباب و مسببات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (بی‌تا)، القواعد و الفوائد، قم: کتاب‌فروشی مفید، چاپ اول.
- شهید ثانی، زین‌الدین عاملی (۱۳۸۷)، ترجمه و تبیین شرح‌اللمعه (قصاص و دیات)، ترجمه علی شیروانی، قم: مؤسسه انتشارات دار‌العلم، چاپ هشتم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳)، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۱)، تلخیص المرام فی معرفه الأحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.

- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، فقه و عرف، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله سیوری (۱۴۰۳)، نضد القواعد الفقهیه علی مذهب الإمامیه، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره، چاپ اول.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (بی تا)، مفاتیح الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره، چاپ اول.
- قبله ای خویی، خلیل، شعبانی کندسری، هادی و دشتی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «تداخل اسباب و مسببات در علم اصول و حقوق موضوعه»، فقه و حقوق اسلامی، دوره چهارم، ش ۸.
- کاشانی، حاج آقا رضا مدنی (۱۴۰۸)، کتاب الدیات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، دیات، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- محقق حلّی، نجم الدین (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- معاونت آموزش قوه قضاییه (۱۳۸۷)، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه های عمومی جزایی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
- مهدوی، حسن (۱۳۹۱) «کاربرد قاعده تداخل اسباب در فتاوی سید یزدی»، مجله فقه اهل بیت، ش ۷۲.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۹)، حقوق کیفری اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان، چاپ هفتم.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷)، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.

- نورائی، یوسف و صادقی، محمدهادی (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی حقوقی حکم جنایات متعدد ناشی از یک ضربه»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و ششم، ش ۹۶.

